**هو الحق**

**مهدویت و ظهور**

\*عنْ اَبى جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: يَأْتى عَلَى النّاسِ زَمانٌ يَغيبُ عَنْهُمْ اِمامُهُمْ فَيا طُوبى لِلثّابِتينَ عَلى اَمْرِنا فى ذلِكَ الزَّمانِ.

امام باقر عليه السلام فرمود: زمانى بر مردم مى آيد كه امام و پيشواى آنان غيبت مى كند، پس خوشا به حال كسانى كه در آن زمان بر فرمان ما استوار و ثابت قدم باشند.

\*قالَ الكاظِمُ عليه السلام: طُوبى لِشيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكينَ بِحُبِّنا فى غَيْبَةِ قائِمنا اَلثّابِتينَ عَلى مُوالاتِنا وَالْبَرآئَةِ مِنْ اَعْدآئِنا اُولئِكَ مِنّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ قَدْ رَضُوا بِنا اَئِمَّةً وَ رَضينا بِهِمْ شيعَةً وَ طُوبى لَهُمْ، هُمْ وَاللّه ِ مَعَنا فى دَرَجَتِنا يَوْمَ الْقِيامِةِ.

امام كاظم عليه السلام فرمود: خوش به حال شيعيان ما كه در زمان غيبت قائم ما به دوستى ما چنگ مى زنند و در دوستى ما و برائت از دشمنان ما استوارند آنها از ما و ما از آنها هستيم، آنها به پيشوائى ما راضى شدند و ما هم به شيعه بودن آنها راضى وخشنوديم و خوشا به حال آنها، به خدا قسـم آنها در روز قيامت با ما و مرتبه ما هستند.

\* قالَ الاِمامُ الْجَوادُ عليه السلام : اِنَّ الْقائِمَ مِنّا هُوَ الْمَهْدِىُّ الَّذى يَجِبُ اَنْ يُنْتَظَرَ فى غَيْبَتِهِ وَ يُطاعَ فى ظُهُورِهِ.

امام جواد عليه السلام فرمود: همانا قائم ما مهدى عليه السلام است كه برهر مسلمان واجب است در زمان غيبت او منتظرش باشد و هنگام ظهورش از او اطاعت كند.

\*عَنِ الاِمامِ الْعَسْكَرى عليه السلام لاِبْنِ بابِويْهِ: ...وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ اِنْتِظارِ الْفَرَجِ، فَاِنَّ النَّبِىَّ صلي الله عليه و آله قالَ: اَفْضَلُ اَعْمالِ اُمَّتى اِنْتِظارُ الْفَرَجِ.

امام عسگرى عليه السلام به ابن بابويه فرمود: ...بر تو باد به صـبر و انتـظار فـرج، چون پيامبر گرامى صلي الله عليه و آله فرمود: برترين اعمال امّتم انتظار فرج است.

\*عَنْ الاِمامِ الْمَهْدىّ عليه السلام فى تَوْقيعِهِ اِلى مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمانَ: وَ اَكْثِرُوا الدُّعآءَ بتَعْجيلِ الْفَرَجِ فَاِنَّ ذلِكَ فَرَجُكُمْ.

حضرت مهدى عليه السلام در نامه مباركش به سفير خود محّمد بن عثمان فرمود: براى تعجيل فرج زياد دعا كنيد، چون همين دعا موجب فرج شماست.

روایات متواتر فراوانی از بشارت ظهور مهدی موعود (عج) و وعده برقراری حکومت عدل الهی نقل شده است. هر شیعه دغدغه‌مندی باید از ضرورت وجود موعود، فلسفه انتظار و وظایف خود در دوران انتظار فرج آگاه باشد. مجموعه این مباحث که ذیل بحث مهدویت و امام‌شناسی مطرح می‌شود، گسترده و ژرف و دامنه‌دار است و سزاوار صرف وقت و مطالعه و اهتمام خاص است. در این نوشتار کوتاه به مناسبت میلاد باسعادت امام عصر (عج) با بهره گرفتن از معدود مقالات معتبر منتشره در این زمینه ابتدا از ضرورت وجود موعود از نگاه استاد شهید مطهری سخن گفته می‌شود و سپس نگاهی گذرا به مسأله انتظار شده و نقل قولهایی از برخی بزرگان معاصر در این زمینه آورده شده است.

از نظر استاد شهید مطهری مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفة بعثت انبیا است که فلسفة خلقت نیز هست. فلسفه خلقت، عبادت و عبودیت است که حقیقت عبودیت، تقرب به خدا است و فلسفة بعثت نیز طبق آیات متعدّدی از قرآن کریم، توحید و عدالت اجتماعی معرّفی شده و عدالت نیز برای توحید است. بنابراین، مهم‌ترین ضرورت قیام موعود جهانی نیز پرکردن زمین از عدل و قسط است‌.

1. جایگاه انسان در نظام آفرینش:

از منظر قرآن کریم، انسان به زمین نیامده که در زمین بماند؛ بلکه آمده تا مسیر حرکت به سوی خدا را طی کند و به مقام شایسته خویش که همان مقام خلیفه اللّهی است برسد؛ یعنی مظهر صفات خدا گردد.

2. اصل فطرت:

انسان در ذات خود، جهت‌گیری حقیقی به سمت کمال دارد که این جهت‌گیری، همان فلسفة اصلیِ وجود او است .به بیان دیگر، انسان یک ظرف خالی محض نیست که از بیرون و تحت تاثیر عوامل خارجی پر شود؛ بلکه بذر یک سلسله بینش‌ها وگرایش‌ها در نهاد او نهفته است و بدین سبب انسان باید «پرورش» داده شود، نه این‌که مانند یک مادّة صنعتی، «ساخته» شود.

3. رابطه فرد و جامعه:

در اسلام، هم فرد اصالت دارد و هم جامعه. دیدگاه اسلام نه اصالت فردی محض است که جامعه را فقط اعتباری و قراردادی بداند، نه اصالت جمعی صرف است که هیچ‌گونه اصالت و هویتی برای فرد قائل نباشد، بلکه مبتنی بر این نگرش است که انسان اکمل، همان مجموع افراد است و وجود اعتباری و انتزاعی دارد. بنابراین، تحقّق سعادت فرد بماهو فرد، ‌لزوماً به معنای تحقّق سعادت جامعه بماهو جامعه نیست؛ چرا که هر دو اصالت دارند و زمانی می‌توان واقعاً سعادت انسانی را محقّق شده دانست که افزون بر سعادت فرد، ‌سعادت جامعه نیز محقّق شود.

4. رابطة دنیا و آخرت:

آخرت باطن دنیا است. سعادت اخروی، تجلّی باطنی و واقعیِ سعادت دنیایی است. بدین ترتیب، برای تحقّق عدالت واقعی در قیامت باید هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی، انسانِ کمال یافته در دنیا وجود داشته باشد.

5. انواع کمال انسانی:

اعمال انسان در زندگی‌اش را می‌توان از حیث چهار رابطه بررسی کرد: رابطة او با خود، با ‌خدا، با دیگر انسان‌ها، و با طبیعت؛ امّا می‌توانیم با نظری دقیق‌تر بگوییم که بازگشت این چهار رابطه به دو رابطه است: رابطه با خدا و رابطه با دیگران. همان‌گونه که کمال انسانی از حیث رابطه‌اش با خدا مطرح است، از حیث رابطة انسان‌ها با همدیگر نیز بحث رسیدن به کمال انسان، قابل بررسی است. به بیان دیگر، با توجّه به این‌که جدا از فرد، جامعه هم اصالت دارد، به کمال رسیدن جامعه هم موضوعیت دارد و این به کمال رسیدن باید در عالم انسانی تحقّق یابد که شاید فلسفة رجعت نیز همین باشد. بدین‌ترتیب، همان‌گونه که به لحاظ فردی برای تحقق مقام خلیفةاللهی که خدا برای انسان در نظر گرفته، باید انسانی وجود داشته باشد که آن مقام در او تحقّق یابد، به لحاظ اجتماعی نیز برای تحقّق مقام خلیفةاللهی باید جامعه کاملی در جهان پیدا شود. سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادّی و شرایط اقتصادی ومنافع فردی و گروهی و به سوی هدفی بودن و مسلکی بودن و حکومت و اصالت بیش‌تر ایمان و ایدئولوژی بوده و هست.

6. واقعی بودن آرمان‌های اسلام:

نکتة مهمّی در آموزه‌های اسلام هست و آن این‌که تمام آرمان‌هایی که در اسلام مطرح شده، واقعی و عینی و دست یافتنی است. اسلام، انسان را تا حدّ خلیفه اللهی می‌خواهد و قبل از هر چیز نمونه آن را (پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان(ع)) به جامعة بشری عرضه می‌کند تا بدانند این آرمان، به وسیلة انسان‌ها دست یافتنی است. به همین ترتیب، اگر از ما می‌خواهد جامعه‌ای با عدالت کامل در دنیا برقرار کنیم، تحقّق آن را هم امری واقعی می‌داند، نه صرفاً همچون آرمانی دست‌نیافتنی.

7. تقابل حقّ و باطل و غلبة نهایی حق:

هرچند در مجموع، حرکت تاریخ، تکاملی است، ولی سیر تکاملی آن جبری و لایتخلّف نیست و چنین نیست که هر جامعه‌ای در هر مرحلة تاریخی لزوماً نسبت به مرحلة قبل از خود کامل‌تر بوده باشد. نظر به این‌که عامل اصلیِ این حرکت، انسان است که موجودی مختار و آزاد و انتخابگر می‌باشد، تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد؛ ولی در مجموع خود، یک خط سیر تکاملی را طی کرده و می‌کند. نبرد درونی انسان که قدما آن را نبرد میان عقل و نفس می‌خواندند، خواه ناخواه به نبرد میان گروه‌های انسان‌ها هم کشیده می‌شود که قرآن کریم آغاز این نبرد را در داستان دو فرزند آدم، هابیل و قابیل منعکس کرده است.

در طول تاریخ، نبردهای انسان تدریجاً بیش‌تر جنبة عقیدتی و مسلکی پیدا کرده و می‌کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحلة انسان آرمانی و جامعة آرمانی نزدیک‌تر می‌شود تا آن‌جا که در نهایت امر، حکومت و عدالت، یعنی حکومت ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی (عج) تعبیر شده است، مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد ماند.

نکتة جالب توجّه این‌که بر اساس پاره‌ای از احادیث، قیام مهدی ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ زمانی رخ خواهد داد که سعید و شقی به نهایت کار خود رسیده باشند، یعنی هر چه این حرکت تاریخ به جلو می‌رود، هم شقی شقی‌تر و هم سعید سعیدتر می‌شود، و چنین جامعه‌ای است که می‌تواند زمینه‌ساز قیام نهایی حق و باطل شود.

8 . ایمان به غیب و امدادهای غیبی:

در این جنگ حق و باطل نباید مورد غفلت واقع شود، این است که نظام جهان، نظام اخلاقی است. در منظر دینی، جهان چنین نیست که در برابر عمل خوب و بد واکنش یکسانی داشته باشد و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان امدادهای غیبی یاد می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: إِن تَنصُرُوا اللَّهَ یَنصُرْکُمْ (محمد (47): 7)، وَمَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (طلاق (65): 2)، إِن یَکُن مِّنکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُواْ مِئَتَیْنِ (انفال (8): 65) و ... که همگی حکایت دارد معادلات حاکم بر جهان، بسیار بیش‌تر از معادلات مادّی و عادی است که با چشم سر مشاهده می‌شود که یکی از این معادلات مهم، آمدن حضرت مهدی (عج) برای نبرد نهایی حقّ و باطل است و «از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است» و این همان امداد غیبی‌ است که شامل جبهة اهل حق می‌شود. باید توجّه کرد که در منطق قرآن کریم، شمول امدادهای غیبی نه تنها منافاتی با تلاش و حرکت ما ندارد، بلکه اساساً، اگر ما بکوشیم، این امدادها از راه می‌رسند. اگر خدا را یاری کنید،‌ خدا یاریتان می‌کند.

9. بعد از قیام مهدی(عج):

واپسین نکته‌ای که در شناخت مهدویت ضرورت دارد، این است که حکومت حضرت مهدی (عج) آغاز حرکت اصلی انسان است، نه پایان کار و این حُسن مهم آرمان‌های اسلامی است. در هر مکتبی وقتی آرمانش محقّق شود، دیگر کار آن مکتب تمام می‌شود و می‌میرد؛ امّا انسانی که نبردهای با باطل را به اتمام رسانده، هنوز اصل «فاستبقوا الخیرات» در مقابل چشمش خودنمایی می‌کند. او که نقص‌ها را برطرف کرده، تازه در ابتدای سیر صعودی‌ خود است که باید بالا رود. این سیر، منتها و نهایت ندارد و هرچه بالا رود، در دستگاه هستی برای او امکان بالاتر رفتن هست و شاید فلسفة رشد فوق‌العاده علمی و معنوی مردم در عصر ظهور همین نکته باشد.[[1]](#footnote-1)

در آیه 55 سوره نور آمده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضي‏ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني‏ لا يُشْرِکُونَ بي‏ شَيْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ. (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [ خود ] قرار دهد همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند).

آیاتی که بدان‌ها در روایات اسلامی استناد داده شده است، که مهمترین آنها آیه مبارکه فوق است، نشان می‌دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام زمان (عج)، به آن حضرت ملحق می شوند، بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند… معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه‌های عالی برای پرورش این گونه افراد هست.

بنابراین کسی منتظر و یاور حضرت مهدی (عج) است که در زندگی منتظرانه خود، دوره آمادگی را گذرانده و به مرتبه ایثار جان و مال در راه خدا رسیده باشد، برای شرکت در استقرار عدل بزرگ و نجات بشر مظلوم و انسانیت محروم، گام‌های خود را به ایمان و ایثار استوار سازد، و آن گاه برای یاری کردن نهضتی که می‌خواهد ریشه ظلم را در جهان بکند، و عدل و قسط را به جای آن بنشاند، بی‌صبرانه منتظر جهاد باشد. ظهور مهدی موعود (عج)، حلقه‌ای است از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منجر می شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.

انتظار در تفکر ناب اسلامي شيعه به منتظران راستين، اميد، عشق و نشاط مي‏بخشد. فلسفه چنين انتظاري، صبر و پايداري در راه هدف و زندگي، کسب‏آمادگي همه جانبه براي پذيرش ظهور حضرت مهدي(عج) و اميدواري به‏آينده‏اي روشن و نجات‏بخش است.

برای حسن ختام شایسته است که به چند نقل قول از علمای معاصر درباب امام عصر نظر بیاندازیم:

**علامه سیدمحمدحسین طباطبایی**

در ذیل آیه «وعد اللّه الذین آمنوا ... لیستخلفنَهم فی الارض» آورده است: این آیه وعده زیبای خدای سبحان است به كسانی كه ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده می‌دهد كه به زودی جامعه‌ای برایشان برپا می‌دارد كه به تمام معنی صالح باشد و از ملكه كفر و نفاق و فسق پاك باشد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق چیزی حاكم نباشد؛ در امنیت زندگی كنند، ترسی از دشمن داخلی و خارجی نداشته باشند، از كید نیرنگ‌بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. این جامعه طیب و طاهر با صفاتی كه از فضیلت و قداست دارد هرگز تاكنون در دنیا منعقد نشده است ؛ در روزگار مهدی(ع) چنین جامعه‌ای مصداق پیدا خواهد كرد. چون اخبار متواتری كه از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) در خصوصیات آن جناب وارد شده از تشكیل چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. حق این است كه این آیه شریفه جز با جامعه‌ای كه به وسیله ظهور مهدی(ع) بزودی منعقد می شود، بر هیچ جامعه دیگری منطبق نمی‌شود.

**علامه محمدتقی جعفری**

آن كمال یافته الهی و تربیت و تعلیم یافته باغبان هستی است كه همه وجدان‌های ناب بشری به انتظار مقدم او لحظه شماری می‌كنند، این انسان كامل ماهیت هوی و مختصات آن را و همچنین ماهیت هدایت و لوازم و صفات آن را به همه آدمیان می‌شناساند و طرق تقویت اراده را به مردم تعلیم می‌كند، تا آنجا كه مردم حیات خود را در هدایت و كمال ببینند و مرگ خود را در هوی و هوس، قطعی است آن روز كه عنایت الهی مدد كند و عدالت در روی زمین به وسیله دولت جهانی كه زمامدارش انسان كامل الهی، حضرت حجه بن الحسن(ع)، خواهد بود، به فعلیت در می‌آید، انسان تعریف حقیقی خود را درمی‌یابد.

**مقام معظم رهبری مد ظله العالی:**

- امام زمان علیه سلام‌الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهى در روى زمین است. به همین جهت است که همه‌ بشریت، به شکلى انتظار ظهور آن حضرت را مى‌کشند. ... موضوع امام زمان عجل ا... تعالى فرجه الشریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتى مخصوص مسلمین است، بلکه انتظارى در دل همه‌ى قشرهاى بشر و ملتهاى عالم است. امیدى است در دل بنى‌آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت مى‌کند. این امید، به بازوان قوت مى‌بخشد، به دلها نور مى‌دهد و معلوم مى‌کند که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌اى، در جهت قانون و گردش طبیعى این عالم و تاریخ بشر است.

- ما که منتظر امام زمان عجل ا... تعالى فرجه الشریف هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه الاف التحیة و الثناء و عجل ا... تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان(علیه‌الصلاة و السلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا».

رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.

-معنای انتظار فرج به عنوان عبارة أخرای انتظار ظهور، این است که مؤمنِ به اسلام، مؤمنِ به مذهب اهل‌بیت(علیهم السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقعِ قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگىِ کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلاة و السلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.

انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.

**آیت ا... جوادی آملی:**

با ظهور حضرت مهدی جهان به عدل و داد خواهد رسید. هر وقت انسان درباره کیفیت ظهور آن حضرت فکر می‌کند واقعاً عقل متحیر می شود. وقتی حضرت (سلام ا... علیه) ظهور کرد، در آستانه ظهور او، ذات اقدس الهی دست لطفش را به وسیله حضرت بر رؤوس جوامع بشری می‌کشد که «کملت بها احلامهم» که عقول آنها زیاد می‌شود. این چه معجزه‌ای است؟! ... وقتی جامعه عاقل شود، اداره آن جامعه نیز آسان خواهد شد. تمام معجزه این است که چگونه بشر را عاقل کند؟ واقعاً عقل متحیر است! این ذخیره عالَم چه می‌کند؟ هیچ عقلی راه ندارد که بفهمد همه این ادیان، همه این مذاهب، همه این مکتبها، همه این فکرها، رهبری این انسان کامل معصوم را می‌پذیرند واقعاً عقل متحیر است.... در مقدمه مرحوم کلینی که مرحوم میرداماد (رضوان الله علیه) در کتاب الرواشح السوادیه این مقدمه کافی را شرح کرده است، در خط آخرِ سخن مرحوم کلینی(رضوان الله علیه) آمده است: «إِذْ کَانَ الْعَقْلُ هُوَ الْقُطْبَ الَّذِی عَلَیْهِ الْمَدَارُ وَ بِهِ یُحْتَجُّ وَ لَهُ الثَّوَابُ وَ عَلیْهِ الْعِقَابُ» قطب فرهنگی، عقل مردم است. اما در واقع چگونه حضرت جهان را عاقل می کند؟ این چه فیضی است؟ چه لطفی است؟ چه عنایتی است؟ هیچ راهی ندارد جز حیرت. امیدورایم که محضر آن ذات مقدس را به بهترین وجه درک کنیم

**شهید آیت ا... سید محمدباقر صدر:**

اعتقاد به مهدی (عج)...، یك الهام فطری - انسانی است كه در برابر بینش متفكران جهان، روزگار درخشانی را مجسم می‌سازد...؛ این الهام طبیعی و این شعور باطنی كه در افراد همه جوامع و ملل موجود است،... از گسترده ترین و روشن ترین الهامات بشری است ...؛ ایمان به مهدی(عج) ... عامل نیروبخشی است كه ... امید به دنیای عدل و داد آینده و حس مقاومت و جنبش را در افراد به وجود می آورد و از خاموش شدن مشعل انتقام در سینه مظلومان جلوگیری می كند. مهدی اسلام(عج)، انسان معینی است كه در كنار ما با تمام وجودش زندگی می كند و برای ما در همه این دردها، غصه ها و آتش تاخت و تازهای ستمگران ... و سوز و گداز رنجش دردمندان ... می‌سوزد و خود او هم در انتظار لحظه‌ای است كه بتواند دستش را به سوی ستم دیده محروم دراز كند و ریشه ستمگران را بکند.

**امام موسی صدر:**

در تفسیر آیه معروف كه می فرماید: «زمین را بندگان صالح خدا میراث خواهند برد» می‌نویسد: در روایات اهل بیت(ع) این آیه بر حكومت مهدی موعود (عج) تطبیق شده است. در آن روز جهان متكامل و پیشرفته كه از اشتباهات و لغزش های خود سرخورده و خسته شده و تشنه تعلیمات حقیقی اسلام و مشتاق حكومت عادل می‌باشد، دعوت حضرت ولی عصر(ع) را با نهایت رغبت خواهد پذیرفت. اصولاً انسان پیوسته در حال تجربه است. هرچند وقت، راهی می رود و روشی را انتخاب می كند و بعد از مدتی تجربه باز می‌گردد، یا آن راه را صحیح و رفتنی تشخیص می دهد. تكامل انسان به همین معنی است و سرانجام انسان با كمك علم و تجربه بر بام جهان برآمده، خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ به دلیل این آیه كریمه كه می‌فرماید: «پیروزی و آینده از آن نیكان است و جهان به طرف حق و حقیقت و پیروزی حق‌جویان و حقیقت‌طلبان پیش می‌رود.»

**آیت ا... صافی گلپایگانی:**

بدون تردید عقیده به مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(ع) به عنوان منجی عالم بشریت باوری صرفاً اسلامی است كه بر اساس كتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحبنظران به متواتر بودن احادیث وارده در این باب حكم كرده‌اند. این باورداشت به عنوان اندیشه اسلامی بر پایه قوی‌ترین برهان‌های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیارِ آن، بهترین تایید بر صحت و متانت آن به شمار می‌رود و هیچ یك از مسلمانان ـ چه از شیعیان و چه از اهل سنت ـ به انكار یا تشكیك در آن نپرداخته است . بر كسی پوشیده نیست كه عقیده به ظهور حضرت مهدی(ع) عقیده‌ای است كه امید می‌آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می‌كند؛ سستی و ناامیدی و كسالت را از بین می‌برد. حركت‌های اصلاح‌گرانه و اسلام‌خواهانه را تشویق می‌کند و جان‌های شورنده بر استكبار و استضعاف را تقویت می‌كند.

1. # مطالب این بخش برگرفته از سوزنچی،حسین، 1383، مهدویت و انتظار در اندیشه استاد مطهری، قبسات، شماره 33، 61-80

   [↑](#footnote-ref-1)